

## دانشگاه تک‌جنسیتی ناموفق نبوده است

زهرارهنورد

همشهری، ۸۳/۳/۲۳



**چکیده:** اصل و قاعده اولیه در تشکیل یک دانشگاه نباید بر اساس تفکیک جنسیتی باشد؛ چرا که علم و دانش تفکیک جنسیتی نمی‌پذیرد و باید دیالوگ علمی میان انسان‌ها خارج از جنسیت انجام گیرد. با این وجود، دانشگاه زنانه الزهراء تجربه ناموفقی نبوده است؛ زیرا شانس مضاعفی برای تحصیل زنان فراهم کرده است.

○ آیا مدیریت بر یک دانشگاه بزرگ مثل الزهراء، برای شما به عنوان تنها رئیس زن دانشگاه‌های کشورمان مشکل نیست؟

● حضور در دانشگاه الزهراء برای من افتخار است، ولی من در حقیقت عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هستم و تحصیلات و نیز آموزش خودم را به عنوان استاد و عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های مختلط گذرانده‌ام. با توجه به این مسئله، اولین باری که به این دانشگاه آمدم تا حدودی برایم عجیب بود و من دو سال مقاومت کردم که ریاست این دانشگاه را بر عهده بگیرم، ولی بالاخره در نتیجه اصرار دوستان، همکاران، دانشجویان دانشگاه و همچنین وزارت علوم، ریاست این دانشگاه را پذیرفتم. در آغاز همه چیز برای من به صورت سؤال درآمده بود که کم‌کم پاسخ‌هایم را از طریق نظام آموزشی این دانشگاه گرفتم. به هر حال، من به‌طور کلی نظام تک‌جنسیتی را در آموزش عالی توصیه نمی‌کنم، ولی این دانشگاه می‌تواند یک تجربه و یک شانس مضاعفی برای زنان و دختران باشد تا بتوانند فرصت‌های بیشتری را برای تحصیل در نظام آموزش عالی به دست آورند.

بازتاب اندیشه ۵۱

۲۵

دانشگاه

تک‌جنسیتی

ناموفق

نبوده است

○ در حال حاضر چند درصد استادان عضو هیئت علمی و کارکنان این دانشگاه رازنان تشکیل می دهند و شما به عنوان ریاست دانشگاه این وضعیت را چگونه ارزیابی می کنید؟

● از مجموع ۳۲۰ عضو هیئت عملی دانشگاه الزهراء، ۱۰ استاد، ۳۴ دانشیار، ۱۶۳ استادیار، ۹۱ مربی و ۳ مربی آموزشیار زن در این دانشگاه مشغول به تدریس هستند. همچنین اگر بخواهیم تفکیکی در مورد کارکنان، با توجه به مدرک تحصیلی و جنسیت انجام دهیم، می توانیم بگوئیم از مجموع ۳۲۴ نفری که در این دانشگاه مشغول به کار هستند، ۳ نفر با مدرک دکترا، ۲۸ فوق لیسانس، ۱۱۳ لیسانس، ۵ فوق دیپلم، ۸۰ دیپلم و ۹ نفر زیر دیپلم رازنان تشکیل می دهند. با توجه به این که، در حال حاضر نزدیک به یک پنجم استادان در کل کشور رازنان تشکیل می دهند، این نسبت در مقایسه با آمار ورودی های ما به دانشگاه ها که ۶۷ درصد آن زنان و دختران هستند، رضایت بخش نیست و سزاوار نیست که تعداد استادان زن این قدر کم باشد.

البته این نسبت در کشور ما بسیار بهتر از نسبت استادان زن در کشوری مثل آلمان است؛ زیرا این نسبت در آنجا چیزی در حدود ۳ درصد است.

○ به نظر شما چرا تعداد رؤسای زن در دانشگاه های کشور ما به یک نفر محدود مانده است؟

● این مسئله واقعاً تأثرانگیز است که ما یک رئیس دانشگاه زن داشته باشیم که شاید بتوان تا حدی دلیل آن را در تنگ ذهنی ها یافت.

به اعتقاد من اصل باید در شایسته سالاری باشد. در کشور ما این شایستگان وجود دارند و سیاستگذاری های فرهنگی و اجرایی باید به گونه ای باشد که واقعاً ارزش و شخصیت زنان را بشناسند و درک کنند.

○ برخی بر این عقیده اند که تک جنسیتی کردن دانشگاه هایی مثل الزهراء یا بعضی واحدهای دیگر دانشگاهی از یک سو با استقبال کمتر داوطلبان مواجه می شود و از سوی دیگر بر روند کیفی آموزش و رشد تحصیلی دانشجویان به طور غیر مستقیم تأثیر دارد، نظر شما چیست؟

● به نظر من، نظام تک جنسیتی به عنوان یک تجربه و نه به عنوان یک توصیه (که نظام آموزشی را در بر بگیرد) نشان داده ناموفق نبوده است.

البته ما تمهیداتی داریم که تبادل علمی از طریق آن صورت گیرد. برای مثال، از طریق انجمن های علمی سراسر کشور که یا در دانشگاه الزهراء و یا در دانشگاه های دیگر نشست دارند، این تبادل علمی - ذهنی می تواند میان دختران و پسران انجام بگیرد.

در کل فکر نمی کنم بشود پذیرفت که دانشگاه الزهراء به لحاظ تک جنسیتی بودن از لحاظ

علمی پایین تر است. در حال حاضر چندین دانشگاه کاملاً مردانه در کشور وجود دارد. آیا تا به حال دیده ایم که مردان بگویند به خاطر نبود ذهنیت و فکر زنان، دانشگاه از نظر علمی پایین تر است؟ نه؛ چون مردان خودباوری بیشتری نسبت به زنان دارند.

علم و دانش یک دیالوگ میان آحاد انسانها است و نباید در این رابطه تفکیک جنسیتی وجود داشته باشد و به لحاظ روان شناسی لازم بوده که خداوند چنین ساختاری را برای زن و مرد خلق کرده است. در کنار یکدیگر با حفظ تمام ضوابط و شئون اخلاقی و شرعی بهتر و سالم تر باقی بمانند که اگر این ضوابط اخلاقی و شرعی نباشد، به یقین حضور زن و مرد در کنار همدیگر بسیار آسیب پذیر خواهد بود.

وجود یک دانشگاه زنانه می تواند به صورت های گوناگونی در داخل و خارج از کشور ارزیابی شود.

در داخل کشور ممکن است این احتمال وجود داشته باشد که عده ای وجود یک دانشگاه زنانه را نشان تنگ ذهنی و عقب افتادگی فکری نسبت به فعالیت علمی زن و مرد در جامعه بدانند. یا در خوش بینانه ترین حالت آن ممکن است وجود چنین دانشگاهی را دلیلی بر استقلال شخصیت برای زنان تلقی کنند که موجب دادن شانس بیشتری برای حضور آنها در آموزش عالی باشد یا اینکه یک ژست فمینیستی بدانند.

اما در مجامع بین المللی این دانشگاه فوق العاده مثبت ارزیابی می شود و به عنوان یک حرکت جانبدارانه از حقوق زنان و ارتقای سطح علمی و توسعه فرهنگی آنان تلقی می شود. ضمن آن که در جهان اسلام نیز از وجود چنین دانشگاهی استقبال می شود.

○ در سیستم آموزشی مادر سطوح دبستان تا پیش دانشگاهی دخترها و پسرها از هم جدا هستند و به نوعی، دیوار جدایی بین آنها وجود دارد که در زمان ورود به دانشگاه این دیوار برداشته می شود، نظر شما در این مورد چیست؟

● در آن ۱۲ سال تحصیل، باید دخترها و پسرها از هم جدا باشند؛ چون به آن بلوغ فکری نرسیده اند که اختلاط دختر و پسر را در علم، دانش و تبادل فرهنگی جست و جو کنند و در زمان ورود به دانشگاه چون این بلوغ کم و بیش ایجاد شده، شانس بیشتر وجود دارد که دختر و پسر بتوانند در ذهن خود، جایگاه مناسب زن و مرد را در عرصه عمومی و خصوصی از هم تفکیک کنند و بدانند که هر کدام بیان و زبان خاص خود را دارد. طبیعی است در عرصه عمومی این زبان و بیان بسیار خردورزانه و عقلانی می باشد.

○ با توجه به پذیرش محدود در مقطع فوق لیسانس و دکترا در سطح کشور، آیا تا به حال شما

درخواست پذیرش دانشجوی در رده‌های فوق از سوی مردان داشته‌اید؟

● بارها در مجامع مختلف آقایان از ما خواهش کردند که این دانشگاه در مقطع فوق لیسانس و دکترا دانشجوی مرد بگیرد؛ چون پذیرش در مقطع فوق لیسانس و دکترا در سطح کشور بسیار محدود است و زمانی که آقایان می‌بینند یک دانشگاه این شانس و تبعیض را برای خانم‌ها قائل می‌شود، نسبت به آن اعتراض می‌کنند.

## ● اشاره

۱. به نظر می‌رسد، ایشان میان تفکیک در روابط دانش‌پژوهان و تفکیک مباحث علمی تفاوتی قائل نشده است و هر دو را از یک مقوله فرض کرده‌اند؛ درحالی‌که می‌بایست میان این دو مقوله تفاوت قائل شد. مسائل، فرضیه‌ها، تئوری‌ها و دیدگاه‌های علوم منشأ جنسیتی ندارند و تحت تأثیر جنسیت نمی‌باشند. هرچند برخی فمینیست‌ها معتقدند علوم نیز مردانه تدوین شده‌اند و زنان باید علوم را بازخوانی کرده و زنانه‌نگاری کنند، ولی تأثیر جنسیت در علم و معرفت اگر هم وجود داشته باشد، تأثیر بسیار اندکی است. بنابراین، اگر فراجنسیتی بودن علوم را بپذیریم – چنان‌که ایشان نیز در سخنانشان این مسئله را پذیرفته و مورد تأکید قرار داده‌اند – فرقی نمی‌کند که یک دانشگاه تک‌جنسیتی باشد یا دو جنسیتی. به علاوه اینکه دیالوگ‌های علمی در عمل از طریق کتاب‌ها و مقالات علمی در قالب تئوری‌های علمی صورت می‌گیرد و نیازی نیست که زنان و مردان لزوماً در کنار یکدیگر به تحصیل و تحقیق بپردازند. از سوی دیگر، به دلیل کشش و جاذبه‌های جنسی میان زن و مرد، اختلاط در محیط آموزشی می‌تواند بازده آموزشی و اخلاقی مجموعه‌های علمی را کاهش دهد و مشکلاتی را پدید آورد و تمرکز علمی دانش‌پژوهان را بر هم زند. از این رو، محیط‌های آموزشی تک‌جنسیتی به‌طور قطع مشکلات اخلاقی و جنسی و حتی آموزشی مراکز مختلط را نخواهند داشت. امروزه در کشورهای مهم غرب همچون آمریکا و آلمان، کلاس‌های تک‌جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است و به دلیل بازدهی آموزشی بیشتر، در حال گسترش است. کارشناسان آموزشی این کشورها گفته‌اند در کلاس‌های مختلط، تمرکز دانش‌پژوهان به هم می‌خورد و بخشی از توجه آنان صرف مسائل روحی و روانی و جنسی هم‌کلاسی‌ها می‌شود.

۲. در زمینه تفاوت دانش‌آموزان و دانشجویان در اختلاط و تفکیک جنسیتی، ایشان مدعی‌اند که در دوران دانش‌آموزی باید تفکیک جنسیتی باشد؛ چون هنوز بلوغ فکری لازم حاصل نشده است که اختلاط دختر و پسر را در علم، دانش و تبادل فرهنگی جست‌وجو کنند، ولی در دانشگاه این بلوغ فکری حاصل می‌شود. اگر چه افزایش سن و تحصیلات تا حدودی می‌تواند در کنترل‌غرایز انسان مؤثر باشد، ولی اساساً تحریک جنسی و گرایش دو جنس مخالف به یکدیگر در سنین نوجوانی در اوج می‌باشد و زنان و مردان با هر

بازتاب اندیشه ۵۱

۲۸

دانشگاه  
تک‌جنسیتی  
ناموفق  
نیوده است

درجه‌ای از تحصیلات در معرض تحریک جنسی هستند. نگاهی به وضعیت بسیاری از تحصیل‌کرده‌های دانشگاه‌های ایران و دیگر کشورها، گویای این مدعاست. تحریک جنسی از راه نگاه، گفت‌وگو و دیگر موارد صورت می‌گیرد و میزان تحصیلات افراد نقش اساسی در کنترل این تحریک پذیری ندارد. تنها دو عامل می‌تواند زمینه تحریک را از میان ببرد و یا به شدت کاهش دهد یکی تقوا و خویش‌داری جوانان که این مسئله در بسیاری از جوانان یا در سطح لازم نیست یا اگر هم باشد قابل توصیه نیست. تا کی می‌توان به جوانانی که در اوج شهوت به سر می‌برند و امکان ازدواج نیز ندارند و هر روز در برابر دیدگان خویش در کلاس درس و محیط دانشگاه با تعداد زیادی از جنس مخالف با چهره‌های رنگارنگ روبه‌رو می‌شوند، توصیه به خویش‌داری کرد. تنها عاملی که می‌تواند تحریک جنسی را از همان آغاز کنترل کند، از میان بردن زمینه‌های تحریک جنسی است که همان تفکیک میان دختران و پسران در دانشگاه‌هاست. افزون بر آنچه گفته شد، اساساً اسلام در همه بخش‌های اجتماع، توصیه می‌کند که روابط زنان و مردان به حداقل برسد و تا ضرورت ایجاد نکند، ارتباط میان زنان و مردان نامحرم ایجاد نشود. این مسئله نه تنها در دانشگاه‌ها صادق است، بلکه پس از دوران دانشجویی و در مراکز اجرایی و علمی کشور نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. نگاهی به آیات قرآن کریم و روایات به خوبی دیدگاه اسلام را در زمینه کاهش روابط زن و مرد به ویژه در سن جوانی نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی